

چند شعر از : حسن هنرمندی

(همراه با کارنامه های " زندگی " و " ادبی " او)

به انتخاب : محمد ایل بیگی

Hassan Honarmandi
Docteur de l'Université de Paris
Professeur à l'Université de Téhéran

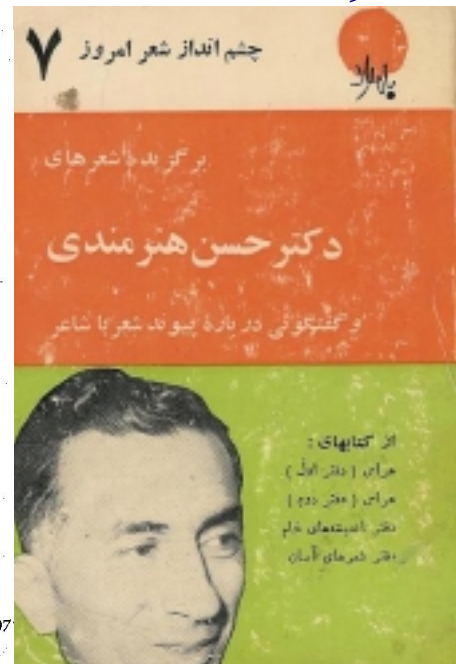
Choix de Poèmes

Téhéran, Août 1971

Editions Bâmdâd

Tous droits réservés

Copyright by Dr Hassan Honarmandi 1971



برگزیده شعرهای حسن هنرمندی - سازمان انتشارات بامداد ، تهران 1350

کارنامهء زندگی حسن هنرمندی

- 1307 شمسی - تولد حسن هنرمندی درمرجان
- 1311 - کوچ به ساری
- 1320 - آغازتحصیل دردبیرستان
- 1323 - نخستین سفر به تهران - آشنائی بانیمای ، مطالعهء بوف کورهدایت وافسانهء نیما برای باراول
- 1325 - دیپلم پنجم متوسطه - شاگرداول دانشسراهای مازندران ، مدال علمی ، آغازچاپ نوشته وشعر درمطبوعات تهران
- 1326 - کوچ به تهران
- 1327 - آغاز همکاری نزدیک بامطبوعات تهران - ترجمه از عربی - دانشجوی هنرپیشگی
- 1328 - دانش آموز سال ششم بخش فرانسه ء دبیرستان رازی
- 1329 - ورود به دانشگاه تهران - دانشجوی رشتهء فرانسه
- 1330 - نخستین سفر به اروپا ازراه عراق ، سوریه ، لبنان ، مصر ، ایتالیا ، فرانسه - دانشجوی کلاس آمادگی پزشکی پاریس
- 1332 - بازگشت به ایران - همکاری با مطبوعات ، ترجمه اززبانهای عربی وفرانسه
- 1333 - سردبیر ماهنامهء سخن (دورهء پنجم)
- 1334 - ترجمهء همسران هنرمندان اثر آلفونس دوده
- «««« مائده های زمینی شاهکار ژید
- 1335 - «««« سکه سازان ««««

1336- نگارش " از رمانتیسیم تا سوررئالیسم " - بحث جدی در این کتاب درباره نظریات نیما یوشیج و پیوند آن

باشعرفرانسه

1337- چاپ نخستین مجموعه " هراس " ، ترجمه آلیس در سرزمین عجایب ، شاهکار لوئیس کارول

42- 1340- بنیاد برنامه **صدای شاعر** در رادیو تهران برای دفاع و ترویج جلوه های سالم **شعر نو**

46- 1342- دومین سفر به کشور فرانسه و اقامت پنجساله در آن سرزمین - سخنرانی در کنگره ژیدشناسان درباره

تاثیر ادبیات فارسی در آثار ژید (شهریور 43)

دریافت دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه پاریس " سوربن " بدرجه ممتاز (بهمن 46)

آشنائی و دوستی با پروفیسور رات یامبل ، پروفیسور گوپه ، پروفیسور گاندی یاک ، ژان فولن شاعر ، مارسل آران نویسنده و عضو فرهنگستان فرانسه و چندتن دیگر از نامداران ادب بار آور فرانسه .

1346- بازگشت به ایران (پایان بهمن 46)

48- 1347- بنیادگذاری برنامه " سفری در رکاب اندیشه " در رادیو ایران برای نشان دادن ارزش و تاثیر ادبیات

کهنسال فارسی در جهان امروز (از آذر 47 تا پایان مهر 48)

تدریس در انجمن فرهنگی فرانسه (از فروردین 47 تا تیر 48)

تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه تهران (از آذرماه 47 بعد...)

انتشار دوباره مائده های زمینی با پژوهشهای تازه بمناسبت صدمین سال تولد آندره ژید (بهمن 47)

1348- چاپ دوم **هراس** با 54 قطعه تازه

1349- چاپ دوم سکه سازان با افزوده های بسیار - چاپ " **آندره ژید و ادبیات فارسی** " نخستین اثر علمی به فارسی

در زمینه ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه .

1350- چاپ دوم " شام طولانی کریسمس " و " کتک خورده و راضی " بایک پیشگفتار تطبیقی .

چاپ " برگزیده شعرها " در چشم انداز ضحرامروز [...] - چاپ سوم مائده ها ، چاپ دوم " آلیس " و " بنیاد شعر نو در فرانسه

" ترجمه و چاپ **محاكمه** اثر کافکا ...

×

هنوز بدام ازدواج نیفتاده است [و تا پایان عمر هم نیفتاد] می گوید : " تا در سرزمین ما دختران همچون کالا با بهای سرسام

آور خیالی پیشفروش می شوند و کابین های نپرداخته و نپرداختنی پشتوانه خوشبختی خانواده ها بشمار میرود این تنهایی

فعال من ادامه خواهد یافت.

کارنامه ادبی حسن هنرمندی

آثار انتشار یافته (محل انتشار : تهران)

شعر فارسی

هراس مجموعه 71 شعر با تحلیلی از دکتر محسن هشترودی ، چاپ اول سال 1337 ، ناشر : گوینده (نایاب)

هراس در صدویک قطعه (چاپ دوم با 54 قطعه تازه) سال 1348

برگزیده شعرها ، چاپ جیبی بامداد ، سال 1350

ترجمه به شعر فارسی

زورق مست از رمبو ، ماهنامه صدف شماره 7 اردیبهشت 1337

سفر از بودلر ، ماهنامه اندیشه و هنر ، شهریور 1337

بررسی و نقد ادبی

آندره ژید وادبیات فارسی (نمونه ای از تحقیق جدید بشیوه اروپائیان - نخستین اثر علمی به فارسی در زمینه ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه) تهران 1349

از رمانتیسیم تا سوررئالیسم بررسی یک قرن شعر فرانسه، سال 1336 (نایاب)

بنیاد شعر نو در فرانسه

در این کتاب پیوند شیوه نوبنیاد شاعری نیما یوشیج با شعر فرانسه برای اولین بار بررسی شده است. به همراه 160 قطعه شعر از سی شاعر فرانسوی

ترجمه شاعرانه

مائده های زمینی و مائده های تازه اثر آنره ژید (با 80 صفحه مقدمه و حاشیه در 320 صفحه) چاپ اول، سال 1334

مائده های زمینی و مائده های تازه، چاپ دوم، بمناسبت صدمین سال تولد نویسنده با اشاره به سرچشمه های اصلی الهام ژید در ادبیات فارسی (ترجمه و مقدمه و حواشی در 410 صفحه، سال 1347، چاپ سوم 1350)

ترجمه شاهکارها

سکه سازان، اثر آندره ژید (با 24 صفحه مقدمه و حاشیه در 428 صفحه) چاپ اول، سال 1335 (نایاب)

سکه سازان، چاپ دوم (با افزوده های بسیار در 676 صفحه)، سال 1349

آلیس در سرزمین عجایب (متن کامل) اثر لوئیس کارول، چاپ اول، سال 1338، چاپ دوم 1350

ترجمه های دیگر

همسران هنرمندان اثر آلفونس دوده (برای آگاهی و روشن بینی هنرمندانی که آرزو دارند همسری هنرشناس بیابند و دخترانی که آرزو دارند همسر مردی هنرمند شوند)، چاپ اول، سال 1334

افسانه های افریقائی از: ژیزل والر، چاپ اول 1338 (نایاب)

دو نمایشنامه

شام طولانی کریسمس از ثورتون وایلد، اردیبهشت 1333، مجله سخن

... کتک خورده و راضی اولین اثر ترجمه شده به فارسی از کاسونا، چاپ دوم 1350

گوناگون

کتاب شما شماره اول: اردیبهشت 1336 (نایاب)

شناساندن نویسندگان جهان، معرفی دهها تن از نویسندگان نامدار جهان در مطبوعات ماهانه و هفتگی تهران از منابع عربی و فرانسه (از سال 1332 تا 1342)

[... باقی تکراری]

بزبان فرانسه

آندره ژید وادبیات فارسی، ژورنال دوتهران، شماره 6456، سوم بهمن 1336، ص 3

مولوی و هانری دورن یه، ژورنال دوتهران، شماره 6805، 22 فروردین 1338، ص 5

آندره ژید و ادبیات فارسی (سخنرانی در کنگره ژید بسال 1964 م) در کتاب:

گفت و شنود درباره ژید، چاپ پاریس، سال 1967 م، ص 175 تا 180

چگونه ممکن است ایرانی نبود؟، ژورنال دوتهران، شماره ده هزارم، هفتم بهمن 1347، ص 9

صدسال پیش ژید زاده شد، ژورنال دوتهران، شماره 10249، اول آذرماه 1348، ص 5

بررسی تاثیر ادبیات فارسی در آثار آندره ژید، پایان نامه دکتری دانشگاه پاریس، در 200 ص

انتشار خواهد یافت

× دفتر اندیشه های خام + چهل شعر آسان (بررسی چند نکته فلسفی و اجتماعی)

× زورق مست (از رمبو) + سفر (از بودلر) با مقدمه ای درباره امکانات ترجمه به شعر فارسی

× خودکشی (بررسی شاعرانهء مساله از روبرو و کوششی برای بیهوده جلو دادن آن)

از دفترهای جدید ایرانشناسی

× اورلیا همزاد غربی بوف کور هدایت (از ژرار دو نروال تا صادق هدایت)

× سفری در رکاب اندیشه (از جامی تا آراگن)

× رقص الفبا (الهام بخشی خط فارسی)

× (سنجش ادبیات ایران با ادبیات دیگران)

(بررسی بنیادهای نظری و شیوه های عملی در ادبیات تطبیقی = ادبیات تطبیقی در خدمت ادبیات فارسی)

[بنظر می رسد که نویسندهء این دو کارنامهء زندگی و ادبی ، خود هنرمندی باشد . و به سال 1350 قطع می گردند .

آنانی را که باو نزدیک بودند و با دنباله آشنائی داشتند و دارند است دنباله ها را آوردن-م.ا.]

پیش درآمد

چون از آسمان گسیختم

" گاندی " روی از من تافت

و چون به آسمان گریختم

" ژید " چهره بر من ترش کرد

اما چون به " انسان " روی آوردم ژید و گاندی هر دو بر من لبخند زدند .

" از دفتر شعرهای آسان "

شعر

در شعر من که رقص امیدست و بیم مرگ

در شعر من که زمزمهء انتظارهاست

بس دردها که خفته در آغوش هر سرود

بس رنجها که همسفر یادگارهاست

شعر منست همهمهء گنگ سایه ها

شعر منست اشک سپید ستارگان

شعر منست نالهء درد و سرود رنج

شعر منست قصهء یاران بی نشان

شعر منست زادهء شبهای پرامید

شعر منست سایهء از یاد رفتگان

شعر منست جلوهء آینده های دور :

رخ در حجاب تیرهء شبها نهفتگان

شعر منست خندهء مهر آفرین صبح

شعر منست بوسهء بدرود نیمه شب

شعر من آن سرود دلاویز زندگیت

کز بیم ناشناس نمی آرمش بلب

تا دل بمهر هر که سپردم ، زمن گریخت ...

بیگانه ماندم از همه ، ای آشنای من

زین پس دلم به مهر تو درسیته می تپد

ای شعر ، ای سرود غم دیرپای من

تهران - 19 فروردین 34

نامراد

مرگ بر من که زنده ماندم باز

مرگ بر من که مرگ در من مرد

بس که بیگانه ماندم از مردن

مرگ هم جان زدست من در برد

کاش هر " بیت " ریسمانی بود

تا گلویم بخویش بفشارد

تامگر رقص نامرادیها

بیش از اینم دگر نیازارد

هر سخن ، کاش ، سرب داغی بود

تا بدان داغ ، سینه ام می سوخت

کاش هر " حرف " سوزنی میشد

تالبان مرا بهم می دوخت

رقص جادویی سخن دیدم

باختم دل بجذبه پندار

هر شبم دیدگان رویائی

تاسحر محو جلوه دیدار

با دو همزاد جاودان پیوند

خواستاران بوسه لبها

بادو همدرد حاودان دیدار

رازداران قصه شبها

آتشین میخهای جادویی

کوفت هر شب به صفحه مغزم

بانگ رنگینی از میان بر خاست

تا برآمد ترانه نغم

کاش هر بیت ، ریسمانی بود

تا گلویم به خویش بفشارد

تا مگر رقص نامرادیها

بیش از اینم دگر نیازارد

تهران - 36/4/11

آواره

همچون پرنده ای که بهم بشکند قفس

ره جسته ام بسوی افقهای دوردست

پاریس! من بسوی تو آیم زراه دور

با توسته ای زرنج و غم شکست

فرسود جانم از این تنگنای شوم

آنجا نوید زندگی تازه میدهند

زنگ ملال از دل عشاق می برند

در جام عشق باده باندازه میدهند

شب ، چادر سیاه فرو می کشد ز روی

بشکفته بر لبان افق نوشخند روز

وان شعله ها که دردل تاریکی ام دوید

بار دگر شراره زند گرم و سینه سوز

من دوستار پرتو خورشید روشنم

چون سایه میدوم همه دنبال آفتاب

دیربست شرق مانده به تاریکی سیاه

زین پس بسوی غرب شتاب آورم ، شتاب

مادر ، گذشتم از تو و بگذر زمن ، که من

بگریختم ز خویش و بمرد آرزو مرا

آن رهنورد خانه بدوشم که سرنوشت

در خوابگاه گور کند جستجو مرا

[بدون مکان و تاریخ]

آفتاب بیمار

مرا به شرق برید

به آبهای مقدس ، به چشمهء جادو

به شهر کودکی خفته در غبار زمان

ز سایه های گریزنده ، رنگ بزدانید

- به پیشگاه بلند آفتاب بخشنده -
که هر چه هست به هر جای شرق و غرب ازوست
مرا به شرق ، به شرق فسانه ساز برید
مرا به باغ سحرگاه میهمان سازید
نسیم را به پرستاری ام برانگیزید
که آفتاب در این شهر زرد و بیمار ست
که من زغربت دیر آشنا گریزانم
پاریس - شهریور 46

آنسوی مرزها

آنسوی مرزها ،
پیغام تازه نیست
خورشید جیره بندیست
مردم بهار را
در شیشه های کاغذی کارخانه ها
تصویر بسته اند
و شهرهای دوستی بی دوامشان
ویرانه تر زخانهء مشرق زمینان ...
×
تا مرز آشتی
هز سو کشیده اند
- اما چه بی دوام -
پلهای کاغذین
دست تو ، قلب تو به پیشیزی نمی خرنند
وز آن صلیبهای طلا معجزی مخواه
شب روشن است لیک نسیمی نمی وزد
آه ای سیاه چشم
در من طلوع کن !
پاریس [بدون تاریخ]

لوموبا

من نالهء تو می شنوم در خروج موج
من شکوهء تو می شنوم در غریو باد
چشم دلم بمرگ سیاه تو خون گریست
ای بیتو روی هر چه پلیدان سیاه باد
تا نام پرغرور تو در گوش من نشست
ای بس دلم بیاد تو هر جا تپیده بود

من نیز باتو الفت دیرینه داشتم
هرچند چشم من ز تو نقشی ندیده بود

من با تو بمرگ سپردم هزار بار
آنجا که نقدهستی من بود گرو
آری ز درد و داغ تو بیگانه نیستم
ای کشتهء تو در کف بدسیرتان درو

دلها ز چهرهء سیهت روشنی گرفت
جانها بمهر پاک تو پیوند بسته بود
قرنی بخواب مرگ فرو رفته بود لیک
چشم ستارگان همه در خون تو نشسته بود

گیرم هزار همچو ترا ناپدید کرد
دستان خونفشان پلیدان نابکار
گیرم هزارها چو تو بردار کشید
اندیشهء تو نیز تواند کشد بدار؟

خشم است و بانگ نفرت بیگانه پروری
در شعر من که رنج سیاهش نشانه است
تنها سخن بکار نیاید که تیغ تیز
درمان گذار زخم پلید زمانه است

تهران - 39/11/28



گردآوری: محمد ایل بیگی

روزانه های دیروز (۶)



دو شعر از محقق، نویسنده و شاعر فقید حسن هنرمندی

پیکار از دو سو، به نقل از گزیده ای از ادب فارسی، انتشارات زمان، چاپ اول، تهران ۱۳۵۴
زمزمه های تو کنار رود من، به نقل از فردوس، شماره ۱۱۳۹، شماره ۲۸، بهار ۱۳۵۲

<http://news.gooya.com/2002/10/11/title/2407-rouz.gif>

Tabarestan **تبرستان**

Iran Northern Province

<http://www.tabarestan.org/neveshteh/index.html>

http://www.tabarestan.org/neveshteh/M8%20Honarmandi_Ilbeygi.mht

ایل بیگی، محمد. روزانه های دیروز 6 [حسن هنرمندی]

روزانه های دیروز

برچیده های محمد ایل بیگی از نشریات سالیان نه چندان دور

دو شعر از:

حسن

هنرمندی

1 - پیکار از دو سو (به نقل از: گزیده ای از ادب فارسی، گردآوردهء علی اصغر خیره زاده، جلد دوم، انتشارات زمان، چاپ اول، چاپ اول، تهران 1352، صص 8-247).

... واین بار **حسن هنرمندی** ست که می رود - آنهم چه رفتنی!
رفتن در "برنامه" کار هر یک از ماست. اما اینگونه رفتن (در غربت و غریب و در تنهایی ترین تنهایی ها بودن و در فقر بزرگ مردن) درد انگیزست و قلب بیمار را به شدت بدر آورد - به ویژه آنکه، خود نیز، رفتن عزیزی را در شرایط مشابه، چندی پیش به چشم دیدم. اوحتی غریبانه تر رفت و تابه امروز، کسی یادی از او نکرد (علیرغم آنکه زحمت های بسیاری در دنیای ادب و سیاست ایران کشیده بود).

در تارنمای "ایران امروز" 31 شهریور 1381، در نوشته ای با عنوان "دکتر حسن هنرمندی خود را کشت / گزارش یک مرگ"، **رحمان اسدیان**، سنگ تمام را زده است و حق مطلب را بخوبی بیان کرده است. من در اینجا برای گرامیداشت یادش، دو شعر از او را می آورم.

محمد ایل بیگی

اول مهر 81



پیکار از دو سو

تیغم بدل شکسته ولی از کدام خصم؟
زخمم بجان نشسته ولی در کدام جنگ؟
در من غریو بی ثمری شعله می کشد.

ما در نبرد خصم
با دشنه ای نئین
پیکار کرده ایم.

مارا بکف جز این نی دشمن ستیز نه

وان نیز ایدریغ
لبریز عقده های فرومانده در گلو
حتی شکایتی
حتی حکایتی ز جدائی نمی کند .

×

اما دراین نبرد
تنها ز دشمنان
ترسان نبوده ایم
با ماهراس دوست نمایان چربدست
وینان ، به ننگ روسیان مانده پای بست
آگاه تر که مایهء پیکار ما ز چیست
در گرما گرم کشمکش هستی آزما
ناگاه از قفا
بادشنه های آخته بر ما جهیده اند

×

پیکار از دوسو
دشوار حالتی ست

×

تیغم بدل شکسته ولی از کدام خصم ؟
زخم بجان نشسته ولی در کدام جنگ ؟

×

ما در نبرد بی ثمری جان سپرده ایم .

تهران - شب 41/4/19





غیبت شاعرانه

● مدتها بود که از دکتور

حسن هنرمندی خبری نداشتم تا این اواخر که بی خبری پیدایش شد و معلوم شد از تابستان سال گذشته تا کنون بیش از یکسال در زادگاه «زیده» بی برده و سرانجام پس از تحقیقات مفصل درباره قایم ادبیات فارسی در ادبیات قرن بیستم فراقمه به ایران باز گشته است و تازندگی دیگر حاصل این تحقیقات را از او خواهیم خواند. دکتور هنرمندی می گوید این بار دایره تأثیر ادبیات فارسی را در آثار نویسنده گان و شاعران برجسته ای نظیر «مون ترلان» و «آراگون» به تفصیل بررسی کرده ام و بدقت شان داده ام که مفهوم درست ادبیات تطبیقی برای کشوری نظیر ایران که حداقل هنر اسان ادبیات زنده در این کشور دارند چه از در این زمینه جزئیات مفصل و تازه ای را بتوان می کند که امیدواریم حاصل آنرا پس از در این صفحات منتشر کنیم.

زیست که هر چه بیشتر دو پیش هالمن شایسته دارد معذرت قدرضای شاعر از محیط غریب در آنها کاملاً محسوس است.

زرمه هائی در کنار رود «سن» از دکتور حسن هنرمندی

۱
لبت بود و هزاران بوسه تو
لبم بود و سرود مستی آور
دلیم بیزار شد از هر چه تکرار
مگردد لب، از آن قند مکرر

۲
چه آتشها که در تابم نمی برد
چه توغماها به فقر آه نمی برد
کجا می سوخت قلبی بی گناهی
که هر شب تا صبح خوابم نمی برد

۳
گفتم زان خیال سر کنی خام
فروستم لب از هر گونه پیغام
ولی مرش بگویم زنده آید
که از آن می روزی سرانجام

۴
توازم لذتی بی نام خواهی
شب مهتاب و طرف بام خواهی
در آن مهتاب شب پرستری نرم
بگویم یا نگویم؟ .. کلام خواهی!

۵
سینه چشم من ای زیبایی دلخواه
تو بامن همدل من با تو همراه
بیاد سفر بشنیم از این شهر
توده زلمی شناسی من دره از چاه

فعالیت شاعرانه هنرمندی نیز جانی جداگانه دارد از شعر در قالبهای فیضائی رحمتی قزل (برای اولین بار) و دوبیتی که هم اکنون نمونه عالی از آنرا میخوانیم:
(نکته قابل تأمل